

افزایش نرخ دستمزد و اثرگذاری آن بر اشتغال

الهه رحیم دوست^۱

چکیده

پایین بودن نرخ دستمزد کارگران افزون بر جلوگیری از افزایش بهره‌وری و تولید در کشور، منجر به تعمیق فاصله طبقاتی میان اقشار مختلف جامعه و ایجاد نارضایتی میان عموم مردم و درنهایت، تهدید امنیت اقتصادی و ملی جامعه می‌شود. نگاهی به سابقه کشور در تعیین نرخ دستمزد نشان می‌دهد به دلیل ناهمخوانی میان نرخ تورم حاکم بر اقتصاد و نرخ افزایش دستمزد، کارگران همواره از کاهش قدرت خرید خود اعلام نارضایتی کرده‌اند. در این راستا، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برای جبران قدرت خرید از دست‌رفته کارگران، افزایش ۵۷ درصدی حقوق کارگران را به تصویب رساند. درحالی‌که بخش دولتی با عدم تبعیت از این اقدام، به افزایش نرخ حداقلی حقوق کارمندان بسنده کرد. انتظار می‌رود به دلیل ملحوظ نکردن نوع صنایع تولیدی در میزان افزایش دستمزد و سهم بالای نیروی کار در تولید بخش‌های مختلف اقتصادی، شاهد افزایش چندین برابری نرخ تورم کالاها و خدمات در سال جاری باشیم. این موضوع افزون‌بر افزایش فاصله طبقاتی به تعدیل نیروی کار به‌رغم بحران بیکاری در کشور می‌انجامد. برای کاهش پیامدهای ناشی از این تصمیم، برخی راهکارها از جمله بازبینی در نرخ تورم مؤثر، کاهش نقش دولت در تعیین نرخ دستمزد، اجرای سیستم حقوق و دستمزد انعطاف‌پذیر، تعیین حقوق و دستمزد بر اساس حاکمیت نوع فعالیت تولیدی و... پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: دستمزد، تورم، کارگران، حقوق، رفاه خانوار، کاربر، سرمایه‌بر.

مقدمه

سطح مطلوب نیز منجر به افزایش هزینه متوسط هر کارگر می‌شود و از مجرای کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری، مشکلاتی از قبیل افزایش بیکاری و ایجاد تورم و درنهایت، کاهش قدرت رقابت‌پذیری محصولات را در اقتصاد پدید می‌آورد. برای همین، اهمیت انتخاب استراتژی صحیح در تعیین سازوکار تعیین دستمزد به‌عنوان یکی از روش‌های تقویت سرمایه انسانی، افزایش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی بسیار حائز اهمیت است.

یکی از مسائل همواره چالش‌برانگیز در اقتصاد کشور در ماه‌های پایانی سال، تعیین میزان افزایش

یکی از کارکردهای افزایش دستمزد، افزایش بهره‌وری کارگران است. بنابراین، صاحبان مشاغل مختلف همواره سعی دارند تا با ایجاد انعطاف در میزان دستمزد، زمینه افزایش بهره‌وری کارگران را فراهم سازند و از این طریق کارایی تولید را تضمین کنند. پایین بودن میزان دستمزدها نسبت به بهره‌وری نیروی کار باعث کاهش عملکرد مثبت و اثرگذار نیروی کار و در سطحی بالاتر، منجر به عدم سرمایه‌گذاری در راستای بهبود سرمایه انسانی می‌شود، اما تعیین دستمزدها در سطحی بالاتر از

rahimdoust_82@yahoo.com

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

۱- نگاهی به انواع صنایع در اقتصاد ایران

انواع صنایع در اقتصاد هر کشور را می‌توان بر اساس میزان به‌کارگیری نیروی کار یا ماشین‌آلات طبقه‌بندی کرد. به‌عبارت‌دیگر، صنایع را می‌توان به دو گروه صنایع کاربر و صنایع سرمایه‌بر تفکیک کرد. در صنایع کاربر تأکید بر استفاده بیشتر از نیروی کار است و به سرمایه کمتری نیاز دارد. این نوع صنایع برای ایجاد اشتغال و توزیع عادلانه‌تر درآمدها برای کشورهای درحال‌توسعه که نیروی انسانی فراوان و سرمایه محدود دارند، توصیه می‌شود.

در صنایع سرمایه‌بر تأکید بیشتر بر نقش ماشین‌آلات و تجهیزات و در نتیجه، سرمایه‌گذاری بیشتر و نیروی کار کمتر است. کشورهای صنعتی که در آن‌ها عامل سرمایه موجود و عامل کار کمیاب است، بیشتر به این نوع صنایع گرایش دارند. بنابراین، صنایع سرمایه‌بر نیازمند به‌کارگیری فناوری در فرایند تولید و گسترش آن‌ها نیازمند سرمایه‌گذاری در بخش تحقیق و توسعه و آموزش نیروی انسانی است. این در حالی است که نرخ سرمایه‌گذاری کشورهای درحال‌توسعه از جمله ایران برای تحقیق و توسعه و آموزش پایین‌تر از کشورهای توسعه‌یافته است. این عامل و نیز وجود محدودیت‌های بین‌المللی در واردات فناوری موجب شده است تا استفاده از نیروی کار در کشور سهم بالاتری نسبت به سرمایه داشته باشد.

از آنجاکه به‌کارگیری نیروی کار بیشتر مستلزم پرداخت هزینه بالاتر برای جبران خدمات افراد است، هرگونه تغییر در نرخ حقوق و دستمزد افزون‌بر اثرگذاری بر میزان بهره‌وری کارگران بر میزان

دستمزد نیروی کار در کشور است. تا جایی که می‌توان گفت تعیین حداقل دستمزد و افزایش منظم یا نامنظم آن پیامدهای اقتصادی، اجتماعی یا حتی سیاسی به دنبال دارد. به اعتقاد برخی صاحب‌نظران و کارشناسان، وجود نرخ ثابت برای اعمال افزایش دستمزد کارگران در رده‌های شغلی مختلف در کشور نه تنها رضایت آن‌ها را برآورده نمی‌سازد، بلکه موجب شکل‌گیری مفاسد اقتصادی میان برخی صاحبان مشاغل و همچنین، افزایش فاصله طبقاتی یا در برخی موارد تعطیلی کارگاه‌های تولیدی و در سطحی بالاتر، موجب برخی اعتراضات و تجمعات کارگری در کشور می‌شود. این موضوع به‌خودی‌خود امنیت اقتصادی و سیاسی کشور را با مخاطراتی همراه می‌سازد. به‌عبارت‌دیگر، در تعیین دستمزد نیروی کار دو نوع نظریه وجود دارد؛ نظریه‌ای بر مبنای بنگاه رقابتی است که بنگاه بر اساس دستمزدهای معین وضع شده بازار سود خود را حداکثر می‌کند و دیگری، بر اساس نظریه دستمزد کارایی است که تفاوت در دستمزدها را شایان توجه و توجیه می‌کند؛ زیرا با تکیه بر این نظریه در تعیین دستمزد، افزون‌بر تأمین منافع بنگاه شاهد کاهش برخی هزینه‌های اضافی خواهیم بود. لزوم تعیین دقیق دستمزدها با توجه به نوع مشاغل و میزان اثرگذاری آن بر بخش تولید، دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای است. در این گزارش، ابتدا نوع صنایع و سپس میزان اثرپذیری آن‌ها از دستمزدهای دستوری مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه، با اشاره به پیامدهای امنیت اقتصادی آن، برخی راهکارها برای بهبود وضعیت موجود ارائه می‌شود.

سوددهی تولید یا انتفاع کارگران مؤثر واقع می‌شود. با عنایت به اهمیت این موضوع، در این بخش با استفاده از داده‌های در دسترس جدول داده-ستانده سال ۱۳۹۵، به تفکیک به هریک از بخش‌های اقتصادی پرداخته و با تعیین برخی از صنایع به‌عنوان صنایع کاربر و سرمایه‌بر به میزان اثرپذیری هریک از بخش‌ها از تغییر در نرخ دستمزد اشاره می‌شود.

۱-۱- بخش کشاورزی

جدول داده-ستانده سال ۱۳۹۵ که فعالیت‌های اقتصادی کشور را بر اساس طبقه‌بندی ISIC در ۸۹ فعالیت طبقه‌بندی کرده، بیان‌کننده جریان کالا و خدمات بین

فعالیت‌های مختلف اقتصادی در دوره‌های زمانی مشخص است. با نگاهی به این جدول می‌توان فعالیت‌های بخش کشاورزی را به لحاظ کاربر یا سرمایه‌بر بودن به شکل جدول شماره ۱ ترسیم کرد. از آنجاکه در این جدول جبران خدمات کارکنان نیز آورده شده، افزون‌بر تعیین کاربر یا سرمایه‌بر بودن هر فعالیت در بخش کشاورزی، سهم هزینه نیروی کار در تولید یک واحد محصول مربوط نیز محاسبه شده است. این سهم که از تقسیم مبلغ جبران خدمات کارکنان بر ارزش ستانده هر بخش به دست آمده، در جدول شماره ۱ به نمایش گذاشته شده است.

جدول ۱- نوع فعالیت و سهم نیروی کار از ستانده بخش کشاورزی به تفکیک زیربخش‌ها

نوع فعالیت	سهم هزینه نیروی کار در تولید	بخش کشاورزی
سرمایه‌بر	۷۴/۴	کاشت محصولات (زراعت و باغداری)
سرمایه‌بر	۹/۰۵	پرورش حیوانات
کاربر	۴۲/۷۲	جنگل‌داری و بریدن درختان
کاربر	۲۳/۰۳	ماهگیری و آبی‌پروری

مأخذ: جدول داده-ستانده سال ۱۳۹۵.

همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، به‌ازای یک واحد تولید در زمینه کاشت محصولات زراعی و باغی، ۴/۷۴ درصد و در زمینه پرورش حیوانات، ۹/۰۵ درصد از ارزش تولید صرف پرداخت به نیروی کار در این دو زیربخش می‌شود حال آنکه در زیربخش‌هایی مانند جنگل‌داری و ماهگیری سهم هزینه نیروی کار از تولید به ترتیب ۴۲/۷۲ و ۲۳/۰۳ درصد است. بنابراین، با مقایسه این زیربخش‌ها در بخش کشاورزی به دلیل کاربر بودن دو بخش جنگل‌داری و ماهگیری، هزینه پرداختی

بابت دستمزد نیروی کار به‌ازای یک واحد تولید این نوع محصولات در مقایسه با دو زیربخش دیگر بیشتر سرمایه‌بر است.

۱-۲- بخش صنعت و معدن

بخش صنعت و معدن نیز مانند بخش کشاورزی به چندین زیربخش تقسیم شده است. با توجه به تنوع بالای فعالیت‌های بخش صنعت و معدن، در این بخش از گزارش و در جدول شماره ۲، به بخش‌هایی که سهم بیشتری از هزینه نیروی کار را به خود اختصاص داده‌اند، اشاره شده است.

جدول ۲- نوع فعالیت و سهم نیروی کار از ستانده بخش صنعت و معدن به تفکیک برخی زیربخش‌ها

نوع فعالیت	سهم هزینه نیروی کار در تولید	بخش صنعت و معدن
سرمایه‌بر	۹۱/۳	استخراج نفت خام و گاز طبیعی
کاربر	۲۲/۷۰	استخراج زغال‌سنگ و زغال قهوه‌ای
سرمایه‌بر	۵/۹۳	استخراج کانه‌های فلزی
کاربر	۲۱/۵۸	تولید فراورده‌های توتون و تنباکو (سیگار)
کاربر	۳۴/۳۹	تولید پوشاک
کاربر	۲۱/۹۲	تولید چرم و فراورده‌های وابسته به جز کفش
کاربر	۳۲/۳۷	تولید کفش و پاپوش
کاربر	۲۸/۲۴	چاپ و تکثیر رسانه‌های ضبط‌شده
سرمایه‌بر	۳/۱۴	تولید فراورده‌های نفتی (پالایشگاه‌ها)
سرمایه‌بر	۵/۳۰	تولید دیگر فراورده‌های حاصل از تصفیه نفت (غیرپالایشگاه‌ها)
سرمایه‌بر	۶/۳۴	تولید مواد شیمیایی و فراورده‌های شیمیایی
سرمایه‌بر	۸/۰۱	تولید فراورده‌های لاستیکی و پلاستیکی
کاربر	۲۱/۰۴	تولید محصولات کانی غیرفلزی طبقه‌بندی‌نشده در جای دیگر
سرمایه‌بر	۹/۰۵	تولید آهن و فولاد پایه
سرمایه‌بر	۹/۲۲	تولید محصولات اساسی مس و آلومینیوم
کاربر	۲۹/۷۷	تولید دیگر فلزات اساسی و ریخته‌گری
سرمایه‌بر	۹/۹۵	تولید محصولات رایانه‌ای، الکترونیکی و نوری
کاربر	۳۰/۲۷	تولید دیگر تجهیزات حمل‌ونقل
کاربر	۲۸/۳۵	تولید میلمان
کاربر	۲۵/۴۵	تولید دیگر مصنوعات
کاربر	۳۲/۶۷	تعمیر و نصب ماشین‌آلات و تجهیزات
کاربر	۴۳/۱۶	جمع‌آوری، تصفیه و تأمین آب
کاربر	۲۰/۱۸	فاضلاب، فعالیت‌های جمع‌آوری، تصفیه و دفع پسماند و بازیافت مواد
کاربر	۲۰/۰۴	ساختمان خصوصی
کاربر	۲۸/۴۵	ساختمان دولتی

مأخذ: جدول داده‌ستانده سال ۱۳۹۵.

هزینه نیروی کار از ستانده آن بخش کمتر از ۱۰ درصد است، اما صنایع کاربر اغلب سهمی بالای ۲۰ درصد را به خود اختصاص می‌دهند. اغلب صنایع در کشور ما صنایع کاربر هستند. بنابراین، سهم بالایی از ستانده هر بخش صرف پرداخت حقوق به کارکنان همان بخش می‌شود.

همان‌طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود، اغلب صنایع موجود در بخش صنعت و معدن از فعالیت‌های کاربر است. فعالیت‌های مربوط به بخش نفت، گاز و پتروشیمی، تولید فولاد و محصولات آلومینیومی، تولید محصولات رایانه‌ای و استخراج کانه‌های فلزی از جمله امور سرمایه‌بر هستند که سهم



۳-۱- بخش خدمات

گروه از فعالیتهای بخش خدمات که دارای بیشترین و کمترین سهم جبران خدمات نیروی کار از ستانده است، انتخاب و در جدول شماره ۳ آورده شده است.

تنوع بالای فعالیتهای بخش خدمات موجب شده است تا در این بخش از گزارش از رسیدگی به تمام زیربخشهای آن خودداری کنیم. از این رو آن

جدول ۳- نوع فعالیت و سهم نیروی کار از ستانده بخش خدمات به تفکیک برخی زیربخشها

نوع فعالیت	سهم هزینه نیروی کار در تولید	بخش خدمات
کاربر	۹۷/۲۵	حمل و نقل ریلی بار
سرمایه‌بر	۶۷/۳	حمل و نقل جاده‌ای بار
کاربر	۴۴/۵۸	حمل و نقل از طریق خطوط لوله
کاربر	۲۲/۶	حمل و نقل هوایی
کاربر	۳۹/۰۴	انبارداری و ذخیره‌سازی
کاربر	۴۸/۵۲	فعالیت‌های پست و پیک
کاربر	۴۸/۶۹	دیگر فعالیتهای اطلاعات و ارتباطات
کاربر	۵۴/۵۸	فعالیت‌های خدمات مالی به‌جز تأمین وجوه بیمه و بازنشستگی
کاربر	۳۰/۰۵	بیمه، بیمه اتکایی و تأمین وجوه بازنشستگی به‌جز تأمین اجتماعی اجباری
سرمایه‌بر	۴/۰۲	فعالیت‌های جنبی خدمات مالی و فعالیتهای بیمه
کاربر	۵۹/۸۹	تحقیق و توسعه علمی
کاربر	۲۲/۳۶	فعالیت‌های حقوقی و مهندسی
کاربر	۶۱/۵۶	اداره امور عمومی
کاربر	۵۸/۲۶	خدمات شهری
کاربر	۵۸/۹۱	دفاع و امنیت
کاربر	۷۵/۰۵	فعالیت‌های تأمین اجتماعی اجباری
کاربر	۷۷/۸۶	آموزش زیر دیپلم (پیش‌دبستان، ابتدایی و متوسطه) دولتی
کاربر	۵۴/۶۳	آموزش عالی خصوصی
کاربر	۶۰/۹۴	بهداشت عمومی
کاربر	۵۶/۰۲	مددکاری اجتماعی
کاربر	۴۱/۲	فعالیت‌های سرگرمی، فرهنگی، تفریحی و ورزشی

مأخذ: جدول داده‌ستانده سال ۱۳۹۵.

ستانده هر زیربخش صرف پرداخت حقوق و دستمزد به فعالان آن بخش می‌شود. برای مثال، در زیربخش آموزش زیر دیپلم، سهم حدود ۷۸ درصدی جبران

همان‌طور که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، اغلب فعالیتهای بخش خدمات، فعالیتهای کاربر است. تا جایی که می‌توان گفت بیشترین سهم از

۲- بررسی آثار افزایش نرخ دستمزد بر صنایع مختلف

حاکم بودن وضعیت تورمی و نااطمینانی از آینده قیمت محصولات، به یقین یکی از اصلی‌ترین علل ناکارآمدی اقتصاد و وقوع بحران‌های اقتصادی در هر کشور است. این موضوع در سطحی بالاتر با افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری مانع از ایجاد و گسترش صنایع و سرمایه‌گذاری در صنایع مختلف می‌شود که در نهایت، شاهد افزایش رکود و بیکاری در جامعه خواهیم بود.

وجود شرایط تورمی افزون‌بر ایجاد رکود در صنایع تولیدی مختلف، قدرت خرید خانوار را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد که موجب کاهش تقاضای مؤثر می‌شود و بخش تولیدی کشور را نیز از این مجرا دچار آسیب می‌کند. تداوم این وضعیت افزون‌بر کاهش قدرت خرید افراد موجب نارضایتی اقشار مختلف خصوصاً اقشار ضعیف جامعه می‌شود که پیامدهای امنیت اقتصادی زیادی با خود به همراه دارد. برای همین، دولت همواره می‌کوشد با افزایش نرخ دستمزد در هر سال معادل نرخ تورم محاسباتی توسط مراجع رسمی کشور مانع از افت شدید قدرت خرید اقشار مختلف شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد دولت هر ساله سعی در حفظ قدرت خرید طبقات ضعیف جامعه و افراد با درآمد ثابت دارد، اما همواره نرخ تورم حاکم بر کشور از نرخ دستمزد تعیین شده بالاتر است و حقوق دریافتی افراد کفاف مخارج سالانه آن‌ها را نمی‌دهد. این موضوع در حالی مطرح است که تولیدکنندگان و صاحبان مشاغل نیز از

خدمات کارکنان از ستانده این زیربخش نشان می‌دهد که تولید هر ۱۰۰ واحد ستانده مستلزم پرداخت ۷۸ واحد به کارکنان بابت جبران خدمات آن‌هاست. بنابراین، تغییر در نرخ دستمزد در بخش‌های کاربر از جمله جنگل‌داری و بریدن درختان، تولید پوشاک، تولید کفش و پاپوش، تولید دیگر فلزات اساسی و ریخته‌گری، تولید دیگر تجهیزات حمل‌ونقل، تولید مبلمان، جمع‌آوری و تصفیه و تأمین آب، ساختمان دولتی، حمل‌ونقل ریلی بار، حمل‌ونقل از طریق خطوط لوله، فعالیت‌های پست و پیک، فعالیت‌های خدمات مالی، تحقیق و توسعه علمی، اداره امور عمومی، خدمات شهر و دفاع و امنیت، آموزش، بهداشت عمومی، مددکاری اجتماعی و فعالیت‌های تأمین اجتماعی اجباری دارای بیشترین سهم جبران خدمات کارکنان از ستانده کل هر زیربخش است و زیربخش‌های یادشده بیشترین اثرپذیری را از تغییر در نرخ دستمزدها دارند.

صاحبان مشاغل به ناچار باید یا از طریق تعدیل نیروی کار در پی جبران هزینه‌های خود باشند یا با افزایش قیمت محصولات و خدمات به این مهم بپردازند. در شرایط اقتصادی امروز که کشور دغدغه رفع مشکل بیکاری و کاهش تورم را دارد، تعیین این‌گونه نرخ دستمزد دستوری و بدون توجه به شرایط اقتصادی کشور، پیامدهای نامناسب اقتصادی و امنیتی برای کشور به همراه دارد.

رفع مشکل بیکاری و کاهش تورم را دارد، تعیین این‌گونه نرخ دستمزد دستوری و بدون توجه به شرایط اقتصادی کشور، پیامدهای نامناسب اقتصادی و امنیتی برای کشور به همراه دارد.

۳- ملاحظات امنیت اقتصادی

با توجه به اینکه سالیان متعدد کشور همواره از تحریم‌های اقتصادی متضرر شده و اعمال تحریم‌ها همیشه مانعی جدی برای ورود فناوری به بخش تولید بوده است، می‌توان گفت بخش تولید به‌طور شایسته در مسیر رشد و شکوفایی قرار نگرفته و نیازمند انواع حمایت‌های دولتی است تا کمبودهای گذشته را جبران و برای ادامه راه به‌گونه‌ای موفق عمل کند. بررسی بخش تولید در سال‌های گذشته نشان‌دهنده حاکمیت وضعیت رکود تورمی در این بخش است. بنابراین، انتخاب هرگونه استراتژی که موجب تشدید مشکلات این بخش شود، پیامدهای امنیتی زیادی به همراه دارد.

افت رفاه خانوارها به دلیل تورم موجب نارضایتی عمومی می‌شود و هرگونه افزایش ضربه‌پذیری بخش تولید این کاهش رفاه خانوار را سرعت و شدت بیشتری می‌بخشد. تصمیم اقتصادی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مبنی بر افزایش ۵۷ درصدی حقوق کارگران، به دلیل بالا بودن سهم هزینه حقوق کارگران از تولید هر بخش منجر به تعدیل نیروی انسانی در واحدهای تولیدی می‌شود. این موضوع افزون‌بر اتلاف منابع کشور، امنیت اجتماعی و اقتصادی را نیز تهدید می‌کند. از سوی دیگر، چنانچه

افزایش نرخ دستمزد به دلیل عدم پرداخت آن در نرخ‌های تعیین‌شده همواره گلایه‌مند هستند.

در این میان، افزایش نرخ دستمزد بر کارکرد گروه‌های شغلی کاربر که سهم نیروی کار در روند تولید بیشتر است، بیش از گروه‌های شغلی دیگر تأثیرگذار است. در این گزارش با توجه به جدول داده‌مستند در دسترس و با محاسبات در گروه‌های شغلی کاربر می‌توان به این نتیجه دست یافت که فشار هزینه‌ای نیروی کار در دو گروه صنایع کاربر و سرمایه‌بر به‌طور متوسط به ترتیب حدود ۳۱ و ۷ درصد است. با عنایت به مصوبات جدید وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، افزایش نرخ دستمزد کارگران تا رقم ۵۷ درصد به‌طور متوسط منجر به تحمیل هزینه‌ای ۱۸ درصد در صنایع کاربر و ۴ درصد در صنایع سرمایه‌بر می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، اگر تولیدکننده‌ای بخواهد همان تولید سال قبل را انجام دهد و تغییری در قیمت مواد اولیه تولید نیز رخ نداده باشد، باید به‌طور متوسط ۱۸ درصد بیشتر از پارسال متحمل هزینه شود. این رقم در صنایع سرمایه‌بر به ۴ درصد تقلیل می‌یابد. این فشار هزینه‌ای نیروی کار در برخی زیرگروه‌های بخش‌های مختلف از جمله زیرگروه «آموزش زیر دیپلم» از بخش خدمات که سهم هزینه نیروی کار از تولید این زیربخش حدود ۷۸ درصد است، بالغ بر ۴۴ درصد خواهد بود. بنابراین، صاحبان مشاغل به‌ناچار باید یا از طریق تعدیل نیروی کار در پی جبران هزینه‌های خود باشند یا با افزایش قیمت محصولات و خدمات به این مهم بپردازند. در شرایط اقتصادی امروز که کشور دغدغه

تولید اثرگذار است. بهره‌وری نیروی کار نیز متأثر از عوامل بسیاری مانند آموزش، تحصیلات، میزان دستمزد پرداختی، مهارت، تجربه، تحقیق و توسعه، مدیریت و... است. با توجه به تعیین دستوری نرخ افزایش دستمزدها، از میان عوامل اثرگذار بر بهره‌وری نیروی کار، میزان پرداختی به نیروی کار بیشترین تأثیر را بر نرخ بهره‌وری دارد.

با توجه به نقش انکارناپذیر دولت در تعیین حداقل دستمزد نیروی کار برای کنترل هزینه‌های تولید، دخالت دولت در این حوزه به دلیل ناهمخوانی افزایش نرخ دستمزد با نرخ واقعی تورم ناکارآمد است و همواره بخشی از قدرت خرید افراد دارای حقوق و دستمزد ثابت تضعیف می‌شود. وجود ارتباط مستقیم میان سطح دستمزد و بهره‌وری نیروی کار، در سطحی بالاتر بر بهره‌وری تولید تأثیرگذار است. از این رو چنانچه بهره‌وری تولید دچار خدشه شود، شاهد کاهش توان تولید در کشور خواهیم بود. این موضوع با تضعیف قدرت رقابت، امنیت اقتصادی کشور را تهدید می‌کند. همچنین، عوامل داخلی و خارجی از جمله تحریم، وضعیت اشتغال نیروی کار، رکود یا رونق اقتصاد داخلی و... بر میزان بهره‌وری نیروی کار بسیار اثرگذار است.

افزایش سطح عمومی قیمت‌ها نقش و جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد دارد؛ به نحوی که نرخ تورم با اثرگذاری بر سطح سرمایه‌گذاری، ثبات اقتصادی، رفاه خانوارها و... امنیت اقتصادی و ملی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. افزایش نرخ تورم در سال‌های اخیر، برخی نگرانی‌ها را برای مردم خصوصاً طبقات

کارفرمایان اقدام به تعدیل نیروی کار نکنند، برای پوشش هزینه‌هایشان مجبور به افزایش قیمت محصولات تولیدی خود می‌شوند. این موضوع موجب کوچک‌تر شدن سبد خانوارها، رفاه آن‌ها و در نهایت تهدید امنیت اقتصادی کشور می‌شود. بنابراین، افزایش شدید دستمزد نیروی کار منجر به گرفتار شدن اقتصاد کشور در دور باطل دستمزد-تورم می‌شود که نه تنها گرهی از مشکلات بخش تولید و رفاه خانوارها باز نمی‌کند، بلکه مشکلات این حوزه‌ها را عمیق‌تر می‌کند.

وجود شرایط تورمی افزون‌بر ایجاد رکود در صنایع تولیدی مختلف، قدرت خرید خانوار را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد که موجب کاهش تقاضای مؤثر می‌شود و بخش تولیدی کشور را نیز از این مجرا دچار آسیب می‌کند.

جمع‌بندی و ارائه راهکارها

رشد و توسعه اقتصادی هر کشور نیازمند استفاده بهینه از منابع آن کشور و در نهایت، رونق بخش تولید است. کمیت و کیفیت تولید در هر کشور مستلزم استفاده درست از عوامل تولید است. محک استفاده بهینه از عوامل تولید، میزان بهره‌وری این عوامل است. با توجه به اینکه یکی از اصلی‌ترین عوامل تولید در اقتصاد ایران نیروی کار است، می‌توان گفت بهره‌وری نیروی کار به‌طور زنجیره‌وار بر بهره‌وری



- **بازبینی در نرخ تورم مؤثر:** با توجه به اینکه دولت در تعیین نرخ حداقل دستمزد سالانه همواره نرخ تورم سال جاری را ملاک تصمیم‌گیری برای میزان افزایش دستمزد در سال آینده قرار می‌دهد، از این رو در اغلب سال‌ها به دلیل بالاتر بودن نرخ تورم واقعی از نرخ تورم اعلامی دولت یا تخمین کمتر از واقع، شاهد افت قدرت خرید کارگران در کشور بوده‌ایم. پیشنهاد می‌شود دولت در تعیین نرخ حداقل دستمزد سالانه، نرخ تورم را بر اساس گروه کالاها و خدمات ضروری مبنای تصمیم‌گیری قرار دهد. این موضوع در حالی پیشنهاد می‌شود که شاهد تفاوت در افزایش نرخ دستمزد میان کارگران بخش خصوصی و دولتی در کشور هستیم. با عنایت به اثرگذاری نرخ دستمزد بر قیمت تمام‌شده کالاها انتظار می‌رود دولت نیز در نرخ افزایش دستمزد کارمندان خود بازبینی کند تا شاهد نارضایتی اقشار مختلف در کشور نباشیم.

- **کاهش نقش دولت در تعیین نرخ دستمزد:** دولت در تعیین نرخ حداقل دستمزد سیاست‌های متناقضی را اعمال می‌کند؛ یعنی افزون‌بر تمایل به حفظ قدرت خرید کارگران و افزایش نرخ دستمزد، تمایل به کاهش هزینه‌های تولید نیز دارد. از این رو نمی‌توان انتظار داشت که دولت مجری خوبی برای تعیین نرخ حداقل دستمزد در کشور باشد. از این رو پیشنهاد می‌شود با تقویت اتحادیه‌های کارگری در کشور، نقش دولت در تعیین نرخ حداقل دستمزد کاهش یابد تا شاهد روند رو به بهبود واقعی‌سازی

ضعیف جامعه، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان رقم زده است. بخش عظیمی از این افزایش لجام‌گسیخته قیمت‌ها که ناشی از اعمال تحریم‌های خارجی، خروج آمریکا از برجام، بی‌ثباتی در بازار ارز، افزایش تقاضا و... است، در گروه کالاهای اساسی اتفاق افتاده است. از آنجاکه وزن این‌گونه کالاها در سبد مصرفی اقشار ضعیف و کارگر جامعه بالاست، می‌توان گفت بیشترین خسارت از محل افزایش قیمت‌ها متوجه این افراد شده و رفاه آنان را به شدت کاهش داده است. تصمیمات اخیر اصناف کارگری با تأیید نهایی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مبنی بر افزایش ۵۷ درصدی نرخ دستمزد کارگران با هدف افزایش رفاه و کاهش فاصله طبقاتی اقشار ضعیف بوده است. این اقدام به دلیل حاکمیت کاربری صنایع و مشاغل مختلف در اقتصاد کشور موجب افزایش هزینه تولید محصولات و خدمات می‌شود. به همین دلیل تولیدکننده نیز برای جبران هزینه‌های تولید، ناگزیر به اعمال تعدیل نیرو یا افزایش قیمت کالاهای تولیدی و خدماتی می‌شود. این در حالی است که کارکنان دولت همچنان از افزایش حداقلی حقوق برخوردارند و بار هزینه‌ای ناشی از این تصمیم را باید بخش خصوصی بر دوش کشد. بنابراین، شاهد افزایش دوباره قیمت‌ها یا افزایش نرخ بیکاری و همچنین، افزایش فاصله طبقاتی و کاهش رفاه خواهیم بود و این دور باطل همچنان در اقتصاد کشور تداوم خواهد داشت. برای بهبود عملکرد دولت در نظام تعیین نرخ دستمزد، برخی راهکارها به شرح زیر ارائه می‌شود.

کشور) می‌توان در هزینه‌های تولید و قیمت تمام‌شده کالاها تأثیرگذار بود تا افزون‌بر کنترل تورم بتوان تا حد زیادی قدرت خرید کارگران را نیز حفظ کرد.

منابع

- جدول داده-ستانده سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران
- رحیم‌دوست، الهه، نقش دولت در تعیین دستمزدها و تأثیر آن بر بهره‌وری در تولید، ماهنامه امنیت اقتصادی تدبیر اقتصاد، شماره ۶۸، سال ۱۳۹۸

نرخ دستمزد و درنهایت، رشد بهره‌وری نیروی کار باشیم.

- اجرای سیستم حقوق و دستمزد انعطاف‌پذیر:

با توجه به اینکه افزایش بهره‌وری نیروی کار در سطحی بالاتر منجر به افزایش بهره‌وری در تولید می‌شود، بنابراین هر عاملی که بهره‌وری نیروی کار را ارتقا دهد، مورد استقبال واقع می‌شود. یکی از مواردی که منجر به افزایش بهره‌وری در نیروی کار می‌شود، سیستم ارزشیابی دقیق و برقراری نظام شایسته‌سالاری و روحیه کسب دانش در میان کارگران است. پیشنهاد می‌شود در تعیین دستمزدها به‌جای توجه بیشتر به شرایط حاکم بر بازار کار، سیاست‌های حقوق و دستمزد بر اساس بهره‌وری نیروی کار و ارزش واقعی آن انجام شود. این موضوع مستلزم برخورداری از سیستم حقوق و دستمزد انعطاف‌پذیر در کشور است!

- تعیین حقوق و دستمزد بر اساس حاکمیت نوع

فعالیت تولیدی: همان‌طور که در گزارش نیز به آن اشاره شد، اغلب فعالیت‌های اقتصادی کشور از نوع کاربر هستند که نقش نیروی انسانی در خلق ارزش در آن‌ها بالاست. از این‌رو اتخاذ هر سیاستی که منجر به افزایش درآمد شاغلان در آن حوزه شود، موجب افزایش قیمت تمام‌شده کالاها و در نتیجه، افزایش نرخ تورم و شروع دوباره دور باطل افزایش نرخ تورم و کاهش قدرت خرید کارگران می‌شود. از این‌رو با تعیین میزان تغییر در نرخ دستمزد نیروی کار (با توجه به حاکمیت نوع صنعت در اقتصاد هر

۱. الهه، رحیم‌دوست، ۱۳۹۸